**ترجمه تفسير الميزان    ج‏16    3**

[سوره القصص (28): آيات 1 تا 14]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏

طسم (1) تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ (2) نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسى‏ وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (3) إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَها شِيَعاً يَسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْناءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِساءَهُمْ إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (4)

وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ (5) وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ (6) وَ أَوْحَيْنا إِلى‏ أُمِّ مُوسى‏ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لا تَخافِي وَ لا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (7) فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَناً إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما كانُوا خاطِئِينَ (8) وَ قالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ لا تَقْتُلُوهُ عَسى‏ أَنْ يَنْفَعَنا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَداً وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ (9)

وَ أَصْبَحَ فُؤادُ أُمِّ مُوسى‏ فارِغاً إِنْ كادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْ لا أَنْ رَبَطْنا عَلى‏ قَلْبِها لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (10) وَ قالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ (11) وَ حَرَّمْنا عَلَيْهِ الْمَراضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى‏ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ ناصِحُونَ (12) فَرَدَدْناهُ إِلى‏ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُها وَ لا تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ (13) وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اسْتَوى‏ آتَيْناهُ حُكْماً وَ عِلْماً وَ كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (14)

ترجمه تفسير الميزان، ج‏16، ص: 4

ترجمه آيات‏

به نام خداوند بخشنده مهربان‏

طسم (1).

اين قرآن آيات كتاب مبين است (2).

ما از داستان موسى و فرعون آنچه حق است بر تو براى مردمى كه ايمان مى‏آورند مى‏خوانيم (3).

به درستى كه فرعون در زمين بلندپروازى كرد و مردمش را گروه گروه ساخت، طايفه‏اى از ايشان را بيچاره و ضعيف كرد، تا آنجا كه پسرانشان را مى‏كشت و زنانشان را زنده مى‏گذاشت، راستى كه او از مفسدان بود (4).

ما در برابر او خواستيم بر آنان كه در زمين ضعيف شمرده شدند منت نهاده ايشان را پيشوايان خلق كنيم و وارث ديگران قرار دهيم (5).

و در زمين مكنتشان داده و از همين ضعفا به فرعون و هامان و لشكريان آن دو آن سرنوشتى را نشان دهيم كه از آن مى‏گريختند (6).

و به مادر موسى وحى كرديم كه او را شير بده، همين كه بر جان او بيمناك شدى او را به دريا بينداز، و مترس و غمگين مباش كه ما وى را به تو برگردانيده و از پيامبرانش مى‏كنيم (7).

پس آل فرعون موسى را از دريا گرفتند تا دشمن و مايه اندوه‏شان شود آرى فرعون و هامان و لشكريانشان خطا كردند (و اگر از آينده اين كودك خبر مى‏داشتند هرگز او را از دريا نمى‏گرفتند) (8).

و همسر فرعون گفت اين كودك نور چشم من و تو است (و رو به جلادان كرد و گفت) او را مكشيد، شايد ما را سود بخشد، و يا اصلا او را فرزند خود بگيريم. اين را مى‏گفتند، و نمى‏دانستند (كه چرا مى‏گويند و اين خداست كه اين پيشنهاد را به دلشان انداخته) (9).

در نتيجه قلب مادر موسى مطمئن و فارغ از اندوه گشت كه اگر فارغ نمى‏شد نزديك بود موسى را لو دهد، اين ما بوديم كه قلبش را به جايى محكم بستيم تا از مؤمنين باشد (10).

وى به خواهر موسى گفت: از دور دنبال موسى باش، تا از او خبرى بيابى، خواهر موسى او را از دور ديد اما به طورى كه درباريان ملتفت نشدند (11).

ما قبلا پستان همه زنان شيرده را بر او حرام كرده بوديم، در نتيجه پستان احدى را نگرفت، خواهرش گفت: آيا مى‏خواهيد شما را به خاندانى راهنمايى كنم كه براى شما سرپرستى اين كودك را به عهده بگيرند خانواده‏اى كه خيرخواه اين كودك باشند (12).

با اين نقشه او را به مادرش برگردانديم تا چشمش روشن شود و غصه نخورد و تا آنكه بداند وعده‏

ترجمه تفسير الميزان، ج‏16، ص: 5

خدا حق است، و ليكن بيشتر مردم نمى‏دانند (13).

و چون به حد رشدش رسيد و جوانى تمام عيار شد او را حكمت و علم داديم، و اين چنين به نيكوكاران پاداش مى‏دهيم (14).[[1]](#footnote-1)

بيان آيات [غرض و مفاد سوره قصص: وعده جميل به مؤمنين با ذكر داستان موسى (عليه السلام) و فرعون‏]

غرض اين سوره وعده جميل به مؤمنين است، مؤمنينى كه در مكه قبل از هجرت به مدينه عده اندكى بودند كه مشركين و فراعنه قريش ايشان را ضعيف و ناچيز مى‏شمردند، و اقليتى كه در مكه در بين اين طاغيان در سخت‏ترين شرايط به سرمى‏بردند و فتنه‏ها و شدايد سختى را پشت سر مى‏گذاشتند، خداى تعالى در اين سوره به ايشان وعده مى‏دهد كه به زودى بر آنان منت نهاده و پيشوايان مردم قرارشان مى‏دهد، و آنان را وارث همين فراعنه مى‏كند، و در زمين مكنتشان مى‏دهد، و به طاغيان قومشان آنچه را كه از آن بيم داشتند نشان مى‏دهد.

به همين منظور براى اين مؤمنين اين قسمت از داستان موسى و فرعون را خاطرنشان مى‏سازد كه موسى را در شرايطى خلق كرد كه فرعون در اوج قدرت بود و بنى اسرائيل را خوار و زيردست كرده بود كه پسر بچه‏هايشان را مى‏كشت و زنانشان را زنده مى‏گذاشت، آرى خداوند در چنين شرايطى موسى را آفريد و مهم‏تر آنكه او را در دامن دشمنش يعنى خود فرعون پرورش داد، تا وقتى كه به حد رشد رسيد، آن گاه او را از شر فرعون نجات داد و از بين فرعونيان به سوى مدين روانه‏اش نمود، و پس از مدتى به عنوان رسالت دوباره به سوى ايشان بر گردانيد، با معجزاتى آشكار تا آنكه فرعون و لشكريانش تا آخرين نفر را غرق كرده و بنى اسرائيل را وارث آنان نمود، و تورات را بر موسى نازل فرمود، تا هدايت و بصيرت براى مؤمنين باشد.

و عين همين سنت را در ميان مؤمنين به اسلام جارى خواهد كرد، و ايشان را به ملك و عزت و سلطنت خواهد رسانيد، و رسول خدا (ص) را دوباره به وطن باز خواهد گردانيد.

آن گاه از اين داستان منتقل مى‏شود به بيان اين كه در حكمت خدا لازم است كه از جانب خودش كتابى نازل كند، تا دعوت حق آن جناب نيز كتاب داشته باشد، سپس سخنان طعن‏آميز مشركين را كه در باره دعوت قرآن زده‏اند كه: چرا به وى آنچه به موسى داده شد ندادند؟ نقل فرموده و از آن پاسخ مى‏دهد، و نيز علت ايمان نياوردن آنان را نقل نموده به اين‏

ترجمه تفسير الميزان، ج‏16، ص: 6

كه اگر به تو ايمان بياوريم و هدايت تو را پيروى كنيم قدرت ما از ما سلب مى‏شود، و از آن پاسخ مى‏دهد، و به اين منظور داستان قارون و فرو رفتنش در زمين را برايشان مجسم مى‏سازد.

و اين سوره به طورى كه سياق آياتش شهادت مى‏دهد مكى است، و چهارده آيه‏اى كه ما از اول در اينجا آورديم يك فصل است، كه داستان موسى را از روز ولادت تا روز بلوغ بيان مى‏كند.

" طسم تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ" تفسير و بحث اين آيه در آياتى نظير اين آيه گذشت.

" نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسى‏ وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ" كلمه" من" تبعيض را مى‏رساند، و كلمه" بالحق" متعلق است به كلمه" نتلوا" و معنايش اين است كه: ما بعضى از اخبار موسى را برايت تلاوت مى‏كنيم تلاوتى كه متلبس به لباس حق باشد. پس هر چه تلاوت مى‏شود از ناحيه ما و به وحى ما است، بدون اينكه شيطان در القاى آن ذره‏اى مداخله داشته باشد، ممكن هم هست كه متعلق به كلمه" نبا" باشد كه در اين صورت معنى چنين مى‏شود: ما پاره‏اى از اخبار موسى و فرعون را بر تو مى‏خوانيم، در حالى كه آن اخبار متلبس به حق است و هيچ شكى در آن نيست.

حرف" لام" در جمله‏" لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ" لام تعليل و متعلق است به جمله" نتلوا" و معنايش اين است كه: ما قسمتى از خبر موسى و فرعون را براى خاطر قومى كه به آيات ما ايمان مى‏آورند بر تو مى‏خوانيم تا در آن تدبر كنند.

و حاصل معناى آيه اين مى‏شود كه: ما بعضى از اخبار موسى و فرعون را بر تو مى‏خوانيم، خواندنى به حق، براى اينكه اين قوم كه به آيات ما ايمان آورده‏اند در آن تدبر كنند، قومى كه تو را پيروى كردند، و در دست فراعنه قريش گرفتار سختى و شكنجه گشته‏اند، تا برايشان محقق و مسلم شود كه: خدايى كه آنان به او و به فرستاده او ايمان آورده‏اند، و در راه او اين همه آزار و شكنجه از دشمنان تحمل كرده‏اند، همان خدايى است كه به منظور احياى حق، و نجات بنى اسرائيل، و عزت دادن به آنان بعد از ذلتشان، موسى را آفريد، تا ايشان را از آن ذلت نجات دهد، چه ذلتى؟ كه فرزندانشان را مى‏كشتند و زنانشان را باقى مى‏گذاشتند، و فرعون بر آنان بلندپروازى و قدرت نمايى كرده و چنگال قهر خود را در آنان فرو كرده، و جور و ستمش را بر آنان احاطه داده بود.

خدا موسى را در چنين جوى تاريك خلق كرد، در محيطى كه احدى احتمال آن را نمى‏داد، سپس او را در دامن دشمنش پرورانيد. آن گاه از مصر بيرونش برد، و دوباره او را

ترجمه تفسير الميزان، ج‏16، ص: 7

برگردانيد، در حالى كه داراى معجزه و قدرت آشكار بود، و به وسيله او بنى اسرائيل را نجات داد و فرعون و لشكريانش را نابود كرد، و آنان را براى نسلهاى بعد، سرگذشت و داستانى قرار داد.

پس او خداى- جل شانه- است، كه داستان ايشان را بر پيامبرش نقل مى‏كند، و با جمله‏" لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ" اشاره مى‏فرمايد: به اينكه به زودى همان رفتار را با دشمنان اينان عملى خواهد كرد، و بر اين مؤمنين مستضعف منت نهاده وارث دشمنانشان مى‏سازد، و دقيقا آنچه با بنى اسرائيل و دشمن ايشان كرد، با مؤمنين و دشمنانشان نيز همان را خواهد كرد.[[2]](#footnote-2)

1. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-1)
2. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-2)